

نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان در جامعه از نظر اسلام

نویسنده: غلامرضا چولکی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۲

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان در جامعه است. به این منظور آثار مطلوب حجاب به عنوان یکی از تعالیم الهی بر احساس امنیت و آرامش و جلوگیری از آزار خشونت زنان در جامعه از نظر دین اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. روش انجام تحقیق، تحلیلی و توصیفی و داده‌های مورد نیاز تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و خلاصه پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه جمع‌آوری و تحلیل شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که زنان باحجاب در جامعه ضمن اینکه از امنیت و آرامش بسیار زیادی نسبت به زنان بی‌حجاب برخوردارند، از آزار و خشونت و تعرض و برخوردهای زشت و آزاردهنده مردان هوسران در امان خواهند بود. میزان امنیت و آرامش زنان بی‌حجاب در جامعه نسبت به زنان محجبه کمتر و میزان خشونت و آزار زنان بی‌حجاب از میزان خشونت و آزار زنان با حجاب کامل بیشتر بوده و حجاب نقش بسیار مؤثری در سلامت و حفظ تازگی و نشاط و امنیت و آرامش آنان در جامعه داشته و آنان را از برهنگی در مقابل دید نامحرمان و هرگونه ناهنجاری ناشی از اختلاط‌های زن و مرد و سایر تمایلات نفسانی محفوظ نگه می‌دارد؛ در عوض بی‌حجابی و ابتدال در پوشش، ابتدال در اخلاق را به دنبال داشته و مقدمه بی‌بند و باری و زمینه‌ساز لذت‌های شهوانی نامشروع در جامعه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: حجاب، پوشش اسلامی، امنیت، عفاف.

^۱. کارشناس ارشد مدیریت و فرماندهی مرز دانشگاه علوم انتظامی Parham146@gmail.com

مقدمه

در دین اسلام موضوع حجاب یکی از موضوعات با اهمیت که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در جامعه است، بلکه وجود چنین حکمی به نوعی در کرامت زن مسلمان و نگاه داشتن آن از نگاه‌های نامحرمان است. حجاب و حفظ حریم زنان در اسلام به عنوان یکی از حقوق اساسی زنان مسلمان مطرح بوده که نه تنها خود زن باید آن را رعایت نماید، بلکه مردان نیز ضمن احترام گذاشتن به آن باید این فریضه مهم را به عنوان یکی از احکام الهی مورد پذیرش قرار دهند. اسلام با طرح حجاب و پوشش زن، در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و دستورات حکیمانه و راهگشایی را که در چگونگی منش و روش زن ارائه داده است، از یک سو به ارزش و حرمت زن توجه نموده و این نیروی عظیم را از تباه شدن در گوشه‌ای و بی‌هدف ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فسادانگیزی و ناهنجاری ناشی از اختلاط نامطلوب زن و مرد را گرفته است و در این میان همه افراد جامعه در مقابل سلامت نفسانی خویش مسئول‌اند و مسئولیت مهم‌تر در این باره بر دوش زنان جامعه قرار دارد تا خود را با اجرای احکام الهی نظیر حجاب و داشتن پوشش اسلامی مناسب، در سیستم اجتماعی جای‌داده و نقش مهم و محوری خود را به نحو احسن ایفا نمایند. مقوله حجاب و پوشش یکی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که در حفظ، سلامتی و پاکی محیط خانواده و امنیت و آرامش زن در داخل جامعه نقش حیاتی ایفا می‌کند. حجاب اسلامی از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد و از این رو حجاب امری دینی، الهی و معنوی محسوب می‌گردد (سلطانی، ۱۳۹۰).

بیان مسئله

لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم در دین مبین اسلام است. در خود قرآن کریم درباره این مطلب تصریح شده است، علی‌هذا در اصل مطلب از جنبه اسلامی نمی‌توان تردید کرد. آیین اسلام، حجاب را یعنی پوشش و حریم عفت و حیا را برای او قرار داده است و اگر او این حریم را آگاهانه و به‌خوبی حفظ کند، عامل مؤثری برای مبارزه با تجمل‌گرایی و ایستادگی در برابر ورود و هجوم فرهنگ مبتذل غرب خواهد شد. پوشش اسلامی، سمبل مقاومت زن مسلمان در برابر سرازیری کالاهای فریبنده غرب است. آری اگر زن مسلمان در حریم پوشش زندگی کند، ازدهای ده سر و ترفندهای استعمار را می‌بیند، ولی استعمار او را نمی‌بیند و آنچه بیش از سرخی خون

شهید، استعمار سیاسی را می‌ترساند، سیاهی چادر زن مسلمان است. حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. اسلام طرفدار این است که زن در حضور مرد بیگانه بدن خود را بپوشاند، بدون آنکه مجبور باشد از اجتماع کناره‌گیری کند. امروزه موضوع حجاب و رعایت آن در داخل جامعه به عنوان یکی از مسائل و چالش‌های مهم در پیش‌روی جامعه اسلامی مطرح است که هرگونه خلل در انجام این امر الهی می‌تواند جامعه را به ورطه سقوط و انحطاط بکشانند؛ لذا نیاز است با انجام اقدامات مناسب در این رابطه، چاره‌اندیشی‌های لازم صورت پذیرد تا شاهد کاهش آسیب‌ها و زمینه‌سازی‌های بسیاری از مفاسد اجتماعی مترتب بر این مقوله در جامعه بوده و نقش خود را در پیشگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از عدم رعایت آن به صورت صحیح ایفا نماید.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

حجاب مهم‌ترین و درعین‌حال، پدیده‌ترین مبحث عفاف است، زیرا در کاهش و پیشگیری از بسیاری از مفاسد اجتماعی در داخل جامعه مؤثر خواهد بود. بسیاری از دانشمندان، علماء، فقها و روشنفکران به حجاب فیزیکی بدن اهمیت داده‌اند، زیرا این بخش از حجاب به عنوان محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بعد آن مطرح است. امام خمینی (ره) ضمن توجه به اهمیت عفاف زن می‌فرماید: «زن مظهر جمال و زیبایی و عفاف است و مرد مظهر شیفتگی و مجذوب شدن». از آن جهت فرهنگ غنی و ارزشمند اسلام، پوشش را برای بانوان لازم دانسته و اهمیت خاصی برای آن قائل شده است.

حجاب و پوشش، سنگر سعادت و پیروزی و رستگاری زنان و جامعه است که اگر این سنگر آسیب ببیند و یا فرو ریزد، عوامل سعادت، پاک‌زیستی و شرافت آن‌ها فرو ریخته و قطعاً آن‌ها بدون این سنگر، در سرایشی سقوط و انحراف قرار گرفته و موجب آلودگی خود و جامعه خواهند شد. با کمال تأسف، دنیای غرب و دنباله‌روهای آن‌ها، این مسئله بسیار مهم اسلامی و اخلاقی را نادیده گرفته، بلکه بعکس با کمال گستاخی بر ضد آن، گام بر می‌دارند و آن را عامل تخدیر و رکود و واپس‌گرایی دانسته تا آنجا که

در دانشگاه‌های خود، دختران دارای پوشش را اخراج می‌کنند و چنین کار ضد بشری را از نشانه‌های تمدن می‌دانند. با اینکه حجاب؛ سنگر حفظ عفت و معرف شخصیت زن و جامعه، سنگر حفظ زیبایی و شکوه زن، سنگر حفظ شخصیت و وقار زن، سنگر حفظ صحیح ارتباطها و رشته‌های اجتماعی، سنگر حفظ اخلاق فردی و اجتماعی و سنگر و دژ خلل‌ناپذیر برای مرزها و شیرازه‌های روابط مختلف بوده و کیان خانه و خانواده را از هرگونه انحراف و گمراهی و به هم پاشیدگی حفظ می‌کند، لذا می‌توان گفت علت اصلی انتخاب موضوع، اهمیتی است که اسلام روی مسئله حجاب و عفاف دارد.

هدف کلی تحقیق:

اصل و وجوب حجاب برای زنان از ضروریات دین اسلام است و انکار آن در حکم انکار دستور ضروری اسلام است و کسی که از روی عمد و آگاهی منکر ضروریات اسلام شود، در حکم کفر است، مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا و یا رسول خدا (ص) نیست.

ضروری و واجب بودن حجاب برای زنان از نظر قرآن و گفتار پیامبر (ص) و امامان (ع) و به حکم عقل و اجماع و اتفاق رأی فقها و علمای اسلام ثابت شده است. به امید آنکه مطالب این تحقیق که بر اساس احساس مسئولیت و اهمیت موضوع نوشته شده است، در راستای حفظ حریم حجاب و عفت خانواده‌ها، مفید و سازنده باشد و در پاکسازی و بهسازی جامعه، ثمربخش باشد.

روش اجرای تحقیق:

اجرای این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی صورت گرفته است. پیداست که بررسی‌های کمی به هیچ وجه در آن راه ندارد، بلکه پژوهشی مبتنی بر مطالعه متون اسلامی و گردآوری مسائل مربوط به «زنان و موضوع حجاب و عفاف» در اسناد اسلامی و تحلیل و تنظیم آنها است.

مبانی نظری

الف - تعاریف و اصطلاحات

مفهوم لغوی حجاب:

حجاب معانی مختلفی دارد:

در فرهنگ لغت بندر ریگی، حجاب به معنی «پرده و پوشش و ساتر» است (بندر ریگی، ۱۳۷۹).

«حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیء پوشانده شده می‌شود».

کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۶).

مفهوم عفاف:

عفت در لغت معانی مختلفی دارد و توسط صاحب نظران مختلف به اشکال گوناگون تعریف شده است.

به نظر دکتر مهشید مشیری در فرهنگ لغت فارسی، عفت به معنی دوری از کارهای حرام و ترک شهوات می‌باشد.

عفاف در کتب لغت نیز به همین معنی که در بالا ذکر شده، آمده است: «عفاف یعنی پرهیزکاری و پاک‌دامنی و عفت» (مشیری، ۱۳۷۷).

علاوه بر آن، عفاف در قرآن کریم هم ذکر شده است و در آنجا به معنی «خود نگهداری» می‌باشد:

«و ان يستعففن خیر لهن»؛ و هرچند که عفاف جویند، آن برایشان بهتر است (الهی قمشاهی، ۱۳۷۲).

عفاف یعنی خودداری از آنچه زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرام‌ها و طمع‌های پست. «عفاف» حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود در می‌آورد. می‌توان گفت «حجاب» نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد عفت به کنترل در آوردن و تعدیل غریزه خودنمایی و جلوه‌گری در زنان می‌باشد (ناصری، ۱۳۸۹).

«عفاف، به دست آوردن حالتی نفسانی است که از غلبه شهوت بر عقل انسان‌ها جلوگیری می‌کند».

در روایات به رابطه مستقیم عاقل و عقیف اشاره شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من عقل عفت»؛ یعنی عفت نوعی اعتدال در امور است و عقل هم همین معنی را دارد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«و ان الله یحب الحیی المتعفف»؛ خداوند افراد باحیای عقیف را دوست دارد

(حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵: ۹-۱۰)

مفهوم پوشش:

پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و

از همه مهم تر، امنیت اجتماعی را فراهم می سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چرا که پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می کند (جمالی، ۱۳۸۹).

مفهوم امنیت:

ریشه لغوی امنیت از زبان عربی اخذ و در زبان فارسی متداول شده است و آن را به معنی ایمن شدن، در امان بودن (معین، ۱۳۸۸: ۱۵۲) و «ایمنی، آرامش و آسودگی» (عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۶) که در اصل از مصدر عربی «امن» گرفته شده و معنی آن با امن یکی است تعریف کرده اند.

امنیت از ریشه لاتین (security) است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است؛ بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب و ترس است (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

فرهنگ لاوس امنیت را چنین تعریف می کند:

اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی معنا می شود (محسنی، ۱۳۸۶: ۳).

فارغ از ریشه لغوی، در مقام تعریف امنیت باید گفت که مفهوم امنیت: «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم، هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتاده و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید» (زنجانی، ۱۳۷۳: ۵۴۸).

نظریه ها و دیدگاه ها در رابطه با حجاب

تاریخچه حجاب:

آیا حجاب اختصاص به اسلام دارد و یا از چه دوره ای بوده است؟ آثار به جای مانده از انسان ها و تمدن های کهن، نشانگر پیشینه تاریخی و دیرینه پوشش است و به اسلام اختصاص ندارد.

هزاران سال قبل از میلاد نقاش مصری تصویری کشیده است که دختران، تمام بدن و پسران نیمه پایین بدن خود را پوشانده اند. در آیین زرتشت، یهودیت، مسیحیت و

اسلام، پوشش زنان لازم شمرده شده است و احکام دینی، متن کتاب‌های مذهبی، آیین و آداب و سیره عملی و پیروان ادیان الهی بهترین گواه است.

در آیین زرتشت: مرکز زرتشت، ایران بوده و زنان ایران‌زمین در مادها که اولین ساکنان ایران بودند، پوشش خاصی از نظر حجاب سه هزار قبل داشتند.

در آیین یهود: در کتاب مقدس تورات و کتاب فقهی کلمود که آیین‌نامه زندگی یهودیان است، به صراحت و جوب پوشش سر از نامحرمان در بیرون از خانه حتی برای گذر از راه مخصوص بین دو خانه، نهی از تشبیه زن به مرد و مرد به زن در پوشش، منع لمس و تماس و اختلاط با زنان نامحرم، پرهیز از آرایش و ناز و به در آوردن خلخال‌های پا که موجب عذاب الهی می‌گردد بیان شده است.

در آیین مسیح (ع): در کتاب مقدس مسیحیان آیاتی درباره لزوم عفت و آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش و زیورآلات، و جوب پوشاندن موی سر در مراسم عبادی، داشتن وقار و دوری از نگاه به نامحرم آمده که کیفیت پوشش را که از نظر دینی واجب بوده است بیان می‌کند.

پوشش در ایران باستان: از مطالعه فرهنگ پوشش در دوران مادها و پارس‌ها چنین استفاده می‌شود که زنان در این دوره علاوه بر لباس‌های نظیر مردان، به جای شنل از چادری استفاده می‌کردند که سر آنان را می‌پوشانده است. لباس‌هایشان از تجملات و تزیینات خاص دور بوده و از اختلاط با نامحرمان و حضور در مجامع عمومی به شدت پرهیز می‌کردند.

پوشش زنان عرب پیش از اسلام: زنان اعراب پیش از اسلام پوشش مناسبی نداشتند، از این رو همسران پیامبر (ص) از پیروی آن الگو منع شدند. آیات سوره احزاب بیانگر این نکته است (طاهری، ۱۳۸۹).

فلسفه پوشش در اسلام:

اسلام برای پوشش زن فلسفه خاصی قائل است که از نظر عقلی، آن را موجه می‌سازد و از نظر تحلیل می‌توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست. اگر عفت و پوشش صحیح در جامعه نباشد، هر کدام از مرد و زن همچون آتش و پنبه به سوی هم نزدیک می‌شوند و شعله‌ور می‌گردند. روشن است که دود سیاه چنین آتشی به چشم همگان آسیب می‌رساند و موجب فسادهای گوناگون و زمینه‌سازی برای جرائم و بزه‌کاری‌های مختلف خواهد شد.

بر همین اساس رسول اکرم (ص) فرمود: «زن یک موجود بی‌حفاظ و آسیب‌پذیر است، هرگاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه می‌کند و او در چشم‌انداز نفوذ شیطان قرار می‌گیرد» (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۷).

به عبارت روشن‌تر؛ زن در آفرینش الهی، نسبت به مرد دارای ظرافت بیشتری است؛ اگر در محیطی بی‌قانون قرار بگیرد و یا در محیطی که حاکمیت عقل و منطق در آن ضعیف است وارد شود، از ناحیه مردان که قدرت و خشونت جسمانی‌شان بیشتر است، مورد ستم قرار می‌گیرند.

حجاب و پوشش برای زن و مرد یک سنگر نیرومند برای جلوگیری از ظلم و ستم تجاوز به حقوق همدیگر است. اگر سد حجاب شکسته شود و سنگر آن فرو ریزد، همان بلایی بر سر زن خواهد آمد که امروز دنیای غرب و غرب‌زدگان به آن گرفتار هستند که به حق و انصاف می‌توان گفت، خسارتی که از راه بی‌حجابی و بدحجابی دامن‌گیر آن‌ها شده به قدری زیاد است که هیچ خسارتی را نمی‌توان با آن مقایسه کرد. غریزه خودآرا بودن زن اگر مهار نشود، او را به پوشیدن لباس‌های زینتی و پر زرق و برق و استفاده از زیورآلات مختلف و بزک‌های گوناگون وامی‌دارد. حس چشم‌چرانی مردان بی‌بندوبار که به دنبال آن زرق و برق‌ها هستند، آن‌چنان زن و مرد را به سوی پوچی و مصرفی‌زیستن و بی‌محتوایی سوق می‌دهد که سرانجامش جز گمراهی و تباهی و دوری از علم و معرفت و اخلاق و پاشیدگی کانون‌های زندگی نخواهد بود. بر همین اساس قرآن پس از بیان حفظ عفت چشم می‌فرماید: «ذلک از کی لهم؛ این دستور برای آن‌ها بهتر و پاکیزه‌تر است» (نور/۳۰).

فلسفه پوشش اسلامی به نظر اسلام چند چیز است: بعضی از آن‌ها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتدال او. اسلام زن را تشویق کرده است که با رعایت حجاب، تمام این جنبه‌ها را رعایت نماید تا ضرری به خود و خانواده و اجتماع نرساند، زیرا زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود.

حجاب از نظر قرآن مجید:

ضروری و واجب بودن حجاب برای زنان از نظر قرآن و گفتار پیامبر (ص) و امامان (ع) و به حکم عقل و اجماع و اتفاق رأی فقها و علمای اسلام ثابت است. در قرآن برای وجوب حجاب و حدود آن به ۴ آیه که صراحت بر آن دارند، تمسک شده است؛ ولی در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن، در قرآن بیش از ۱۰ آیه وجود دارد. آیاتی که به طور صریح بر وجوب و لزوم اصل حجاب برای زنان دلالت دارند، ۴ آیه هستند که عبارت‌اند از: آیه ۳۰ سوره نور و آیات ۵۹ و ۲۳ و ۳۳ سوره احزاب که ما در اینجا نخستین آیه‌ای که به صراحت بر وجوب حجاب دلالت دارد را به اختصار شرح می‌دهیم.

خداوند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

«ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان و سایر افراد محرمشان...».

توضیح اینکه همه فقها و دانشمندان اسلامی و مفسران، اتفاق نظر دارند که این آیه دلالت دارد که بر زنان واجب است بدن و موی خود را از نامحرمان بپوشانند.

در این آیه به پنج موضوع در رابطه باحجاب و حفظ حریم عفت، تصریح شده است:

۱- زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرمان فرو خوابانند. ۲- زنان باید دامن خود را از هرگونه عوامل بی‌عفتی حفظ نمایند. ۳- زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری آشکار است، آشکار نسازند. ۴- زنان باید روسری‌های خود را بر سینه خود بیفکنند. ۵- زنان باید زینت خود را جز برای افراد محرم خود، آشکار نسازند (تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱).

دومین آیه‌ای که بر وجوب رعایت حجاب برای زنان در برابر نامحرمان دلالت صریح می‌کند، آیه ۵۹ سوره احزاب است، آنجا که می‌خوانیم:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر

است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده مهربان است».

این آیه به اصل و جوب حجاب برای زنان تصریح نموده است و در پایان به یکی از فلسفه‌های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمت‌ها است اشاره کرده است. می‌توان گفت که این آیه در قرآن، جامع‌ترین آیه در حفظ حجاب و حریم عفت است، بخصوص اینکه شدیدترین هشدارها را به متجاوزان حریم عفت داده است؛ آنجا که اشاره نموده است که زنان باید لباس حجاب (مثلاً چادر) را از بدن آزاد و رها نسازند، بلکه به بدن نزدیک کنند و لباس خود را جمع و جور نمایند. نتیجه اینکه، این آیه بیانگر آن است که از پوشش باید به صورت صحیح استفاده شود و آن را جدی گرفت، نه صوری و تشریفاتی، و گرنه چه بسا بعضی از پوشش‌ها - حتی مثل چادر - به خاطر رها نمودن آن، همچون ویتترین‌های مغازه‌ها هیجان‌انگیز است و نبودنش بهتر از بودنش است (آیه ۵۹، سوره احزاب).

حجاب در روایات و احادیث ائمه معصوم (ع)

آیات قرآنی و روایات پیامبر (ص) و امامان (ع) با هشدارها و اخطارهای شدید خود، مسلمانان را به حفظ و حراست جدی از حریم عفت و حجاب زن و مرد، دعوت و تأکید نموده و آنان را از هرگونه مسامحه و سهل‌انگاری در این راستا بر حذر داشته‌اند و هر کدام با زبان گویا و تعبیرات گوناگون، به لزوم رعایت پوشش و حریم عفت با ذکر نتایج درخشان آن و پیامدهای شوم و نکبت‌بار بی‌حجابی، بدحجابی و هرگونه آسیب‌رسانی به حریم عفت، تأکید و اصرار فراوان نموده‌اند و هر کس کمترین آشنایی با گفتار پیامبر (ص) و امامان (ع) دارد، بر این موضوع واقف خواهد شد.

۱- در نکوهش چشم‌چرانی:

رسول اکرم (ص) فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در دنیا از خوف خدا گریسته است.

چشمی که از نگاه به حرام خدا، خودداری نموده است.

چشمی که در راه خدا شب‌زنده‌داری نموده است (خصال صدوق، ج ۱، ص ۶۱).

امام صادق (ع) فرمود: «نگاه به نامحرم، تیر زهر آلود، از تیرهای شیطان است و چه بسیار نگاهی که موجب حسرت طولانی شده است» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: کوری چشم بهتر از بسیار نگاه کردن به نامحرم است (بحار، ج ۷۷، ۲۸۴).

۲- در ارزش و لزوم حجاب و پاک‌زیستی:

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «پوشیدن لباس ضخیم بر شما لازم است، زیرا کسی که لباسش نازک و بدن‌نما باشد، دینش نیز ضعیف و نازک است» (بحار، ج ۸۳، ص ۱۸۳).
امام صادق (ع) فرمود: «برای زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست که لباسش را خوشبو کند» (فروع کافی، جلد ۵، ص ۵۱۹).

پیامبر اسلام (ص) در گفتاری، دو دسته را اهل دوزخ خواند و فرمود: حتی بوی بهشت به مشام آن‌ها نخواهد رسید: ۱- ستمگران تازیانه به دست که با تازیانه خود مردم را می‌زنند.

۲- دسته دوم زنان بدحجاب و برهنه‌ای هستند که با زرق و برق، خود را به مردم نشان داده و هوس‌های آن‌ها به سوی خود جذب می‌کنند، موهای سرشان همچون کوهان‌های شتر سبک‌سر عربی است (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۹).

۳- در ستایش غیرت، عفت و حیا:

رسول خدا (ص) فرمود: «حیا و شرم، ۱۰ جزو است که ۹ جزو آن در زنان و یک جزو آن در مردان است» (کنز العمال، حدیث ۵۷۶۹).

امیرالمؤمنان علی (ع) فرمود: «کسی که غیرت نوزد، قلبش واژگون شده است» (بحار، ج ۷۹، ص ۱۱۵).

امام سجاد (ع) فرمود: «هیچ چیز بعد از معرفت در پیشگاه خداوند، دوست‌داشتنی‌تر از نگهداری شکم از مال حرام و نگهداری دامن از ناپاکی جنسی نیست» (مجالس السنیة، ج ۲، ص ۴۲۹).

فلسفه حجاب و عفاف از نظر فطرت

پوشش زنان و مردان، قبل از هر چیز از خواسته‌های فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آن‌ها است، زیرا از همان آغاز خلقت بشر، هر یک از زن و مرد کوشیدند تا به هر نحو ممکن خود را بپوشانند، بی‌آنکه قبلاً در این مورد آموزش ببینند. این موضوع بیانگر آن است که در نهاد انسان عامل بازدارنده و هدایت‌کننده‌ای به «حیا» وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرهای انحراف‌ها حفظ کند و او را به راه صحیح هدایت نماید.

بر همین اساس در قرآن آمده: «هنگامی که آدم و حوا پس از چشیدن از آن درخت بهشتی که از آن نهی شده بودند از بهشت اخراج شدند، خود را برهنه یافتند، شروع کردند با قرار دادن برگ‌های بهشتی بر یکدیگر تا همدیگر را بپوشانند» (اعراف/۲۲).

آدم و حوا قبل از این ماجرا برهنه نبودند، بلکه دارای نوعی از پوشش بهشتی بودند، ولی بر اثر خطا، آن کرامت و پوشش بهشتی از تن آن‌ها فرو ریخت و پس از هبوط به زمین، وقتی که خود را از آن کرامت برهنه یافتند، با شتاب سعی کردند همدیگر را بپوشانند (اعراف/۲۷).

سرعت در پوشیدن خود با برگ‌های بهشتی، بیانگر آن است که پوشش برای زن و مرد یک امر فطری و ذاتی است و بشر برای پاسخ دادن به ندای فطرت، خود را ناگزیر از پوشش می‌داند.

مطابق روایتی که از ابن عباس نقل شده، پس از این ماجرا، قوچی را که از بهشت آمده بود ذبح کردند؛ حوا از پوست آن، لباس بلندی برای آدم فراهم کرد و برای خود یک پیراهن و روسری تهیه نمود. به هر حال این ماجرای قرآنی، بیانگر فطری بودن موضوع پوشش است و بیانگر آن است که دستور پوشش از خواستگاه ساختاری انسان سرچشمه می‌گیرد (طاهری، ۱۳۸۹).

فلسفه حجاب و عفاف از نظر عقل

لزوم پوشش از نظر عقل کاملاً روشن و واضح است، چرا که هر عقل سلیم آنچه را که برای انسان مایه کرامت و حفظ از انحرافات و بیهودگی‌ها و پوچی‌ها است، موجب استواری انسان می‌داند و آنچه را که باعث فساد اخلاقی و پیامدهای شوم برهنگی می‌شود، مذموم و ناپسند می‌داند.

حجاب از عوامل خوشبختی است و موجب سلامتی و تکامل فرد و جامعه می‌شود و برهنگی و بدحجابی باعث انحطاط و پیامدهای شوم می‌گردد و به این ترتیب نتیجه عقلی می‌گیریم که حجاب یک وسیله بسیار لازم و شایسته برای زنان و مردان است و به طور کلی هر چیزی که باعث رشد و تکامل و سلامتی فرد و جامعه است، عقل آن را شایسته دانسته و انسان را بر انجام آن ملزم می‌سازد.

خصلت «حیا» یکی از شعبه‌های عقل است، زیرا وجود حیا در انسان او را به سوی حفظ پوشش و عفت دعوت می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: خداوند به آدم وحی کرد: «من تو را به انتخاب یکی از سه صفت مخیر نمودم که عبارت‌اند از: عقل، حیا و دین، یکی از آن‌ها را انتخاب نما و دو صفت دیگر را رها کن». آدم عرض کرد: «من عقل را برگزیدم». خداوند توسط جبرئیل به حیا و دین فرمود: از عقل جدا گردید و او را به خودش واگذارید. آن‌ها به جبرئیل گفتند: ما از سوی خدا فرمان داده شده‌ایم که از عقل جدا نگردیم، هر جا که عقل باشد، ما همراه آن هستیم. جبرئیل گفت: چنین باشید (اصول کافی، ج ۱، صص ۱۰ - ۱۱).

اقسام و گونه‌های حجاب

حجاب زنان و دختران در جامعه دارای اقسام و گونه‌های مختلفی است که به این اقسام اشاره لازم می‌شود:

۱- حجاب مقتدرانه:

کسی که حجاب را با تمام رضایت و اعتقاد و از روی سلامت روح برگزیده است، حجاب چنین شخصی مقتدرانه خواهد بود. حجاب مقتدرانه هرگز زمین گذاشته نمی‌شود و با بهانه کنار نمی‌رود. چنین زنی سعی می‌کند تا آنجا که ممکن است حجاب و چادر خود را نگه دارد. حجاب مقتدرانه در واقع همان حجاب عاشقانه است.

۲- حجاب منفعلانه:

حجابی که با یک بهانه و با یک سختی از بین می‌رود، چنین حجابی منفعلانه است. در حجاب منفعلانه رضایت و اعتقاد کافی وجود ندارد. زنانی که از لحاظ روحی شکننده هستند اگر حجاب را انتخاب کنند، غالباً منفعلانه خواهد بود مگر کسی که همت نموده باشد که در این صورت حجاب او مقتدرانه خواهد بود، گرچه ممکن است مانند گروه اول چندان عاشقانه نباشد.

۳- حجاب بادوام:

حجاب بادوام نوعی حجاب مقتدرانه است که دال بر روح وزین و سنگین زن و حاکی از روحی است که به دنبال سلامت شخصیت درونی خویش است.

۴- حجاب ریایی:

زنانی که کمبود دارند و یا مجبور به حفظ حجاب هستند، گاهی دچار حجاب ریایی می‌شوند و با حفظ حجاب می‌خواهند نام و شهرتی پیدا کنند. حجاب این نوع زن‌ها با رضایت و با عشق و علاقه نیست. این نوع افراد، غالباً انسان‌هایی خشک، غریبه‌ساز، تندخو، بدخلق، مغرور، خودبین و حسود هستند. کسی که عاشقانه حجاب را برگزیده

است، درعین حال اینکه محجبه است، با زنان خوش اخلاق و مهربان است و کسی را نمی‌رنجاند و دوست دارد دیگران رشد کنند. افرادی که مقتدرانه و درعین حال عاشقانه حجاب را برگزیده‌اند، تأثیر زیادی بر روی دیگران می‌گذارند؛ زیرا دیگران می‌بینند که پوشش چنین شخصی از روی ایمان واقعی و علاقه حقیقی است و با اینکه بدحجابی در جامعه هست، او حجاب را عاشقانه برگزیده است (دشتی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

آثار حجاب و عفاف در جامعه

رعایت پوشش و توجه به فرهنگ حجاب و عفاف آثار مثبت و فراوانی در سطح جامعه دارد که به مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

۱- استحکام پیوند خانوادگی:

هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه گردد.

رعایت پوشش موجب محبت خانوادگی در زندگی زناشویی زن و شوهر نسبت به یکدیگر می‌شود. حریم پوشش به گونه‌ای ترسیم شده است که بیگانگان در نوع ارتباطات سالم و شرایط ویژه زن و شوهر مشارکت نداشته باشند؛ بنابراین پایداری بنیان خانواده و پیدایش نسل پاک و مطمئن از آثار مثبت رعایت پوشش اسلامی است.

۲- استواری اجتماع:

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست، حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است- و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بی‌عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشاندن بدن به استثنای وجه کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است. خداوند در آیه ۱۹ سوره مؤمن می‌فرماید: «خداوند چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند».

۳- حفظ حرمت و کرامت زن:

زن از نظر حقوق و شخصیت انسانی با مرد یکسان است و حرمت و کرامت او به این است که به عنوان یک انسان شرافتمند باید به او نگریم، نه به عنوان یک وسیله جنسی و وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاقها و عاملی برای جلب سیاحان و
در جامعه‌ای که بر اثر نبود قانون حجاب، شخصیت زن تا سرحد یک عروسک یا یک کالای بی‌ارزش سقوط کند، ارزش‌های معنوی او به کلی فراموش می‌گردد. در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن می‌تواند به هویت خود پی ببرد و شخصیت انسانی خود را از گزند آلودگان تبهکار حفظ کند؟!

آیا جز این است که خودباختگی و عدم توجه به کرامت نفس، انسان‌ها را به آلودگی و بی‌محتوایی می‌کشاند؟ بنابراین باید از آن همه نتایج شوم عبرت گرفت، چنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «کسی که کرامت و شخصیت انسانی، او را استوار نساخت، اهانت و پوچی زندگی او را ادب خواهد کرد» (طاهری، ۱۳۸۹).

۴- گرم بودن روابط خانوادگی و زناشویی:

هر اندازه که زن عقیف‌تر وارد جامعه شود و خود را از نگاه و دستبرد مردان اجنبی حفظ دارد، در رابطه زناشویی موفق‌تر است و مرد از وجود چنین زنی بانشاط‌تر و خشنودتر خواهد بود. بدحجابی رابطه زناشویی را سرد و بی‌رمق می‌سازد. دختران مجردی که دائم خود را در دید نامحرمان قرار می‌دهند، بعد از ازدواج در رابطه زناشویی با مرد خود چندان موفق نخواهند بود. این موضوع نه تنها تأثیر روحی و روانی بلکه تأثیر فیزیکی بر زن می‌گذارد.

۵- گرم و پابرجا بودن روحیه مادری در زنان:

امروزه دنیای غرب از مقام مادری استعفا داده است و بدین خاطر هم مادران و هم کودکان بیچاره شده‌اند. حجاب باعث می‌شود که زن مقام و لذت مادری خود را از دست ندهد و موجب می‌گردد خانواده از لذت‌های خانوادگی خالی نگردد و در نتیجه، گرمی و نشاط مادری باعث می‌شود که سلامت روانی نسل حفظ گردد (دشتی، ۱۳۹۱: ۹۲).

عوامل مؤثر در ایجاد بی‌حجابی در جامعه

عوامل مختلفی در ایجاد بی‌حجابی در میان زنان و دختران در سطح جامعه وجود دارند که هر کدام از این عوامل را به اختصار توضیح می‌دهیم:

الف- عوامل ذاتی بدحجابی

۱- جلب توجه نمودن قلب مردان:

زن دوست دارد محبوب باشد و از این جهت شکار کردن دل مرد برای زن بااهمیت است. هیچ چیز برای زن مانند فتح قلب مرد لذت بخش نیست؛ زیرا با فتح دل مرد است که به آرزوی محبوبیت خواهی خود می رسد. زن به خاطر فتح قلب مرد، دست به اقداماتی می زند که بتواند دل او را فتح کند و چون مرد، تشنه شهوت است؛ از این جهت زن برای جذاب کردن خود، دست به تبرج و بدحجابی و بدنمایی متمسک می شود و مرد را به سمت خود می کشاند، غافل از اینکه قلب مرد، عفت زن را می خواهد.

۲- زیبایی:

یکی دیگر از عوامل بی حجابی، مسئله زیبادوستی است. هر انسانی دوست دارد زیبا باشد، از این جهت دست به اقداماتی می زند که زیبا جلوه کند. هنر نوعی زیبایی است و هنرمند دوست دارد هنر زیبای خود را که تجلی درون اوست به دید همگان قرار دهد. این نوع هنرنمایی گاهی ریایی ولی بیشتر اوقات انسانی و به حکم زیبادوستی است. ریاکار با نمایش زیباییهای خود می خواهد خود را عزیز کند، ولی هنرمند کاری به عزیز کردن خود ندارد بلکه به صرف زیبادوستی هنرنمایی می کند. از این روست که برخی زنان به قصد زیبانمایی دچار تبرج و بی حجابی می شوند، البته باید توجه داشت که خودنمایی زنان مانند هنرنمایی هنرمندان نیست.

۳- مطرح شدن:

سومین عامل ذاتی در امر بدحجابی، مسئله مطرح شدن است و انسان به دلیل فقر ذاتی می خواهد مطرح باشد. موجود بی نیاز، نیازی به مطرح شدن ندارد، ولی موجود نیازمند دوست دارد مطرح شود؛ زیرا با مطرح شدن است که نیازش رفع می گردد. البته منظور از مطرح شدن این نیست که به مقام و شهرتی دست یابد، بلکه منظور هر نوع مطرح شدنی است که انسان آن را دنبال می کند. یکی از دلایل بی حجابی این است که زنان دوست دارند، در نزد مردان مطرح باشند و از این رو با بی حجابی و تبرج، خود را عزیز می کنند و مردان را متوجه خود می سازند. در مقابل مردان نیز دوست دارند در نزد زنان، عزیز و مطرح باشند. وقتی پسری احساس می کند که چند دختر متوجه او هستند و از او می گویند، در پوست خود نمی گنجد و یا وقتی دختری متوجه می شود که در نزد پسران مطرح است لذت می برد. این نوع مطرح شدن حاکی از عدم درک درست پسران و

دختران از بزرگی است. این غریزه جنسی است که دختران را در دید پسران و پسران را در دید دختران، بزرگ جلوه داده است.

ب- عوامل عارضی بدحجابی

۱- کمبود شخصیتی:

در تعریف کمبود شخصیتی می‌توان گفت که کمبود عناصری که وجود آن برای تشکیل یک شخصیت غنی نیاز است؛ از قبیل معرفت، شجاعت، اعتماد به نفس، استقامت و...؛ اما برخی از دختران برای رفع کمبود شخصیتی خود و برای پوشاندن پوچی خود به بدحجابی روی می‌آورند تا به نحوی خود را امروزی و روشنفکر و متجدد نشان دهند و از این طریق، شخصیتی برای خود دست‌وپا کنند. آن‌ها از این طریق برای خود سدی ایجاد می‌کنند تا بتوانند جلوی دهن کجی‌های دیگران را بگیرند هرچند که این کار با خودفروشی توأم باشد. خودنمایی، بدن‌نمایی نوعی فروش خود است در حالی که انسان با شخصیت به خاطر عناصر شریف وجودی خود هرگز دست به چنین اقداماتی نمی‌زند.

۲- کمبود عاطفه:

وقتی کودک از عاطفه والدین خود بی‌بهره و نصیب می‌ماند، خصوصاً اگر دختر باشد بسیار شکننده خواهد شد. محبت برای کودک بسیار حیاتی و ضروری است. وقتی کودک محبتی نمی‌بیند این بی‌محبتی‌ها در او جمع شده و تولید عقده و گره‌های کور می‌نماید و در سنین نوجوانی این موضوع او را سخت متزلزل و ضعیف خواهد کرد و دارای شخصیتی منفعل و متأثر خواهد بود. از این جهت، فرد گدای عاطفه بخشی‌های این و آن نمی‌شود و از این جهت سعی می‌کند عاطفه دیگران را به خود جلب کند. یکی از راه‌های جذب عاطفه دیگران، بدحجابی است؛ زیرا از این طریق می‌تواند جنس مخالف را به سمت خود بکشاند. البته چنین دخترانی که با کمبود محبت بزرگ شده‌اند، اگر از هم‌جنس خود نیز محبت ببینند جذب می‌شوند، ولی به دلایل فیزیکی و جنسیتی به سمت مردان کشیده می‌شوند.

۳- نقص جسمانی وزشت بودن:

برخی به دلیل اینکه زشت‌رو هستند متمسک به بدحجابی می‌شوند. خود را با پماد زیبا کردن و سپس با بدحجابی، خود را در معرض دید قرار دادن، چه هدفی از این کارها وجود دارد؟ و این کارها چه دردی را دوا می‌کند؟ آیا با این نوع کارها انسان آسوده و راضی می‌شود؟ خیر، هرگز! انسان اگر نقص جسمانی دارد و یا زشت‌رو هست می‌تواند

با کسب زیبایی‌های روحی و هنری و خلاقیت، به خود زیبایی ببخشد. همه مردان چنین نیستند که تنها به دنبال دختران زیبارو برای ازدواج باشند، بلکه برخی آن‌قدر هنر و خلاقیت و معرفت زن برایشان مهم است که زیبایی ظاهری زن برایشان چندان اهمیت ندارد.

۴- تقلید از دوستان و فرهنگ غرب:

خصوصاً زنان متأهل غالباً به خاطر مد شدن و تقلید از فرهنگ غرب دچار بدحجابی می‌شوند؛ و متأسفانه تقلید و تبعیت از هم نوعان با اینکه بد است، دامن بسیاری را گرفته است.

۵- عقده حقارت:

عقده حقارت نوعی کمبود شخصیت است که هر فرد با تحصیل امور ارزشی می‌تواند بر آن غالب شود. عقده حقارت باعث می‌شود که توجه انسان همیشه به این و آن باشد و موفقیت‌های کوچک دیگران در دید انسان، بزرگ و موفقیت‌های بزرگ خود انسان، در دید او کوچک جلوه داده شوند.

۶- روشنفکر جلوه دادن خود:

برخی فکر می‌کنند که اینکه شدن و از فرهنگ غنی خود دست کشیدن نوعی روشنفکری است، ولی متوجه هستید که این افراد به غلط نام خود را روشنفکر نهاده‌اند. غالباً آدم‌های ثروتمند مشتاق سلوک دنیای غرب می‌شوند، ولی این راه نجات نیست.

۸- راحتی:

گاهی اوقات افراد به علت راحتی و راحت بودن، حجاب را رعایت نمی‌کنند. باید توجه داشت که بدحجابی شاید شخص را راحت کند، ولی جامعه را ناراحت می‌سازد و ناراحتی جامعه، راحتی او را خواهد گرفت.

۹- بیکاری:

انسان بیکار خسته می‌شود و خستگی روحی باعث می‌شود که انسان متوجه دیگران شود تا سرگرم شود. بیکاری، زن را متوجه جنس مخالف می‌نماید و بدین خاطر به بدحجابی رو می‌آورد. هر چیزی که زنان را متوجه جنس مخالف کند، می‌تواند عاملی برای بدحجابی باشد.

۱۰- بالا رفتن سن ازدواج:

گاهی دختران با اینکه می‌توانند ازدواج کنند، ولی به اصطلاح روشنفکری می‌کنند و ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. سن ازدواج که بالا رود با بالا رفتن آن، درصد بی‌حجابی و بدن‌نمایی بالا می‌رود.

۱۱- بی‌هدفی:

بسیاری از زنان بی‌حجاب و کسانی که دچار بی‌حجابی هستند، خودشان هم از وضع خود ناراضی و خسته‌اند، اما نمی‌دانند چکار کنند؛ نه هدفی محکم دارند و نه والدین دین‌داری، نه فضای مناسبی و خلاصه گیج و ناخشنودند. از این جهت دوست دارند راه نجات خود را پیدا کنند (دشتی، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۵۲).

آثار منفی دنیوی و اخروی بی‌حجابی

بدحجابی در دنیا و آخرت دارای آثار سوء و منفی زیادی است که می‌توان آثار آن را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم کرد:

الف: آثار دنیوی بدحجابی عبارت‌اند از:

۱- اختلالات روانی:

برخی از زنان با سوءاستفاده از غریزه خودنمایی برای جلب رضایت دیگران در محیط‌های اجتماعی دست به خودآرایی و جلوه‌گری اقدام می‌کنند؛ در نتیجه فکر و اندیشه خود را خواسته یا ناخواسته در بعد تمایلات پوچ محدود می‌کنند. بدحجابی در جامعه فشارهای روحی جبران‌ناپذیری بر روان، اعصاب و شخصیت زنان وارد می‌کند و از آنجا که خود را با هجوم نظرهای مختلف مواجه می‌بیند و از پاس‌خگویی به همه آن‌ها عاجز است، در این صورت یا به سوی بی‌تفاوتی و بی‌قیدی کشانده می‌شود یا به تخیلات و اعمال نامناسب دست می‌زند که در هر دو صورت، خود و اطرافیانش را از نظر روانی در معرض سقوط قرار می‌دهد.

۲- افت تحصیلی و آموزش در مراکز تحصیلی:

بدحجابی مشغولیت فکری دختران محصل را بیشتر می‌کند؛ چون آن‌ها را به سوی شناخت مدل‌های گوناگون سوق می‌دهد و در نتیجه آنان وقت زیادی را صرف آرایش‌ها و آراستگی‌های سروصورت و لباس می‌کنند.

۳- خشونت و آزار جنسی:

آزار و اذیت زنان بی‌حجاب توسط مردان و جوانان ولگرد، یکی از آثار سوء بدحجابی است. گویا این قبیل مردان پوشش ناقص زن را به منزله چراغ سبزی می‌دانند که نشان‌دهنده تمایل زنان بدحجاب به کارهای خلاف و گناه آلود است.

۴- زمینه‌های رذایل اخلاقی و سقوط ارزش زن:

ابتدال در پوشش و بدحجابی، ابتدال در اخلاق را به دنبال دارد و مقدمه بی‌بندوباری و زمینه‌ساز لذت‌های شهوانی نامشروع است. اگر دختری حجاب ناقص داشته باشد، توجه مردان به او جنبه شهوانی پیدا می‌کند و در نتیجه ارزش‌های حقیقی او فراموش می‌گردد.

به همین دلیل تا زمانی که جاذبه‌های ظاهری دارد، مورد توجه است و هنگامی که این جاذبه از بین برود، احساس پوچی و پشیمانی می‌کند. پس بدحجابی زن را تا حد یک کالا پست و ذلیل می‌کند.

۵- بی‌علاقگی به ازدواج:

اسلام بر ازدواج تأکید فراوان کرده است؛ چرا که این پیوند الهی آیه‌ای از آیات حق است و اضطراب روانی ناشی از فشار غریزه جنسی، تبدیل به آرامش روحی می‌گردد و شیاطین انسی و جنی برای فریب جوانان مایوس خواهند شد و افکار ملکوتی جایگزین افکار شیطانی خواهد گردید و زمینه‌های بسیاری از گناهان از بین خواهد رفت. در عوض بی‌حجابی به بهترین وسیله برای انحراف جوانان از این امر مقدس و بی‌علاقه شدن به ازدواج - این پیوند الهی - در جامعه خواهد شد.

۶- افزایش میزان طلاق:

با توجه به اینکه مردان در جامعه هر روز با خانم‌های بی‌حجاب زیادی روبه‌رو می‌شود، به انواع چهره‌های مختلف برمی‌خورد، این موضوع باعث کاهش علاقه و محبت او به همسر خود شده و در نهایت، زمینه‌های لازم را برای موضوع طلاق و جدایی مابین همسران از یکدیگر فراهم می‌آورد (اسدیان پور، ۱۳۸۹: ۳۵).

ب: آثار اخروی بدحجابی عبارت‌اند از:

۱- آتش جهنم:

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «زنانی که زینت خود را برای نامحرمان آشکار سازند سزاوار آتش دوزخ هستند».

۲- آویزان شدن مو:

از پیامبر (ص) در مورد چیزهایی که در شب معراج دیده است، نقل شده است: «زنی را دیدم که به موهای سرش آویزان بود و مغز سر او به جوش و غلیان در آمده بود».

۳- چیدن گوشت بدن خود:

از عذاب‌های اخروی زنان بی‌حجاب در قیامت، چیدن گوشت بدن خود با قیچی‌های از آتش است. در حدیث معراج از پیامبر (ص) نقل شده است: «زنی را دیدم که گوشت بدنش را از جلو و عقب با قیچی‌هایی از آتش می‌چید» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۱۰).

پیامدهای بی‌حجابی در جامعه

بدحجابی پیامدهای زیادی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله:

۱- آسیب دیدن خانواده‌ها:

مردی که از نظر ایمان و اراده ضعیف است و هرروز با انواع و اقسام خانم‌های آرایش کرده روبه‌رو می‌شود و انواع چهره‌های متفاوت را می‌بیند، انگیزه او نسبت به همسرش کاهش می‌یابد و خانواده در معرض آسیب قرار می‌گیرد.

۲- بالا رفتن کثش جنسی:

وقتی که کثش جنسی در جامعه زیاد باشد، مرد به نگاه متوقف نمی‌شود و تا آن مرحله پیش می‌رود که ضابطه کلی به هم می‌خورد و روابط جنسی نامشروع رخ می‌دهد؛ همان چیزی که امروزه در غرب بیداد می‌کند. این موضوع غرب را به چالش کشانده و به مصیبت‌های ناگواری گرفتار کرده است. فرزندان نامشروع، سقط جنین و... در کشورهای اروپایی آمار بسیار بالایی دارد.

۳- عدم میل به تشکیل خانواده:

مردی که بخش زیادی از نیازهای جنسی خود را در جامعه فراهم شده می‌بیند، خیلی به تشکیل خانواده و ازدواج میل ندارد و جذابیت زن برای مرد کاهش می‌یابد. اصولاً بسیاری معتقد هستند یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جذابیت‌های زن‌ها برای مردان باقی بماند، والا مرد هرگز حاضر به ازدواج نخواهد شد؛ چرا که چیزی که همه جا در دسترس است، چرا مرد خود را به زحمت بیندازد و ازدواج کند.

۴- بالا رفتن آمار خشونت علیه زنان؛

اگر حجاب در جامعه برداشته شود، آمار خشونت علیه زنان بالا می‌رود و امروز در غرب آزارهای جنسی و مسئله خشونت علیه زنان بیداد می‌کند (اسدیان پور، ۱۳۸۹: ۹۳).

یافته‌های پژوهش:

در اسلام دستور پوشش و حجاب اختصاص به زنان یافته است؛ چرا که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود و در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد؛ لذا انحراف تبرج و بی‌حجابی (برهنگی) از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است. در

اینجا به یافته‌های پژوهش در رابطه با موضوع نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان و جلوگیری از خشونت و آزار جنسی زنان در جامعه می‌پردازیم:

۱- حجاب و رعایت عفت از سوی زنان تأثیر زیادی در حفظ تازگی و نشاط و امنیت و آرامش آنان در جامعه داشته؛ زیرا حجاب یک امتیاز برای زنان است که قلب مردان خانه خود را نگه دارند و چشمان مردان جامعه را از نگاه کج حفظ کنند. هر اندازه که زنان با حجاب و عفاف وارد جامعه شوند و خود را از نگاه و دستبرد مردان اجنبی حفظ کنند، هم از امنیت و آرامش بیشتری برخوردار خواهند بود و از نظر روابط زناشویی با مردان خود موفق‌تر و مردان نیز از وجود چنین زنانی بانشاط‌تر و خوشنودتر خواهند بود.

۲- آزار و اذیت زنان بی‌حجاب توسط مردان و جوانان ولگرد یکی از آثار سوء بدحجابی است. گویا این قبیل مردان، پوشش ناقص زن را به منزله چراغ سبزی می‌دانند که نشان‌دهنده تمایل زنان بدحجاب به کارهای خلاف و گناه آلود است. زنان و دختران بی‌حجابی که در خیابان‌ها به خودآرایی و خودنمایی دست می‌زنند، خواه و ناخواه در معرض تعرض و برخورد های زشت و آزاردهنده مردان هوسران قرار گرفته و مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت. امروزه در غرب خشونت علیه زنان از آمار بسیار بالایی برخوردار بوده و آزارهای جنسی و مسئله خشونت علیه زنان بیداد می‌کند؛ لذا حجاب است که در جامعه اسلامی، زنان را از تعرض آزارها و خشونت‌های جنسی ناشی از مردان هوسران مصون نگه می‌دارد و مایه امنیت و آرامش زنان خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پوشش زن در اسلام یک امر فطری، عقلی و شرعی است و حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که زن با یک نوع الهام برای گران‌بها کردن و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. پوشیدگی زن یکی از ارزش‌های بزرگ اسلام است که اگر به آن پرداخته شود و به سبکی زیبا، منطقی و پویا تحلیل گردد، از آن استقبال می‌شود و زن از برکات آن بهره‌مند می‌گردد. همچنین از آفات بدحجابی و بی‌حجابی مصون خواهد ماند.

حجاب از نظر اجتماعی از بی‌فکر شدن جوانان در مقابل کشش‌ها و گرایش‌های جنسی، خواری و بی‌استعداد ماندن زن در جامعه، تزلزل و سست شدن بنیان‌های خانواده، التهاب‌های جنسی دختران و پسران، ابزاری شدن زن در جامعه به عنوان یک کالای قابل خرید و فروش، ریفقه بازی زنان، در نهایت از سقوط و انحطاط علمی و سیاسی و اقتصادی جامعه جلوگیری خواهد نمود و از طرفی دیگر، از نظر منزلت باعث عفت

خواهی مردان از زنان شده و از بی‌بودن زن، سرد شدن روابط زناشویی و سرد شدن روحیه مادری در خانواده‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد؛ در غیر این صورت اگر حجاب بین زن و مرد برداشته شود، ضمن نابود کردن همدیگر، جامعه را به ورطه سقوط و تباهی خواهند کشاند، لذا با توجه به اینکه این قدر در جامعه اسلامی به موضوع حجاب و اهمیت آن در جامعه تأکید شده است، مواردی به شرح ذیل جهت اجرا پیشنهاد می‌گردد:

۱- انجام فرهنگ‌سازی درست و متناسب با مردم در رسانه‌های دیداری و شنیداری و دعوت از کارشناسان فرهنگی برای تبیین این موضوع در صداوسیما، نشریات، جراید و روزنامه‌های سراسری و محلی.

۲- تهیه فیلم‌هایی با زمینه‌های آموزشی و هشداردهنده با به‌کارگیری افراد مجرب و کارشناس در زمینه فیلم‌سازی و بهره‌گیری از کارگردانان معروف در این زمینه تا اثرگذاری فیلم تضمین گردد. این امر در آگاه‌سازی مردم در خصوص رعایت حجاب و پوشش در جامعه می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۳- با توجه به اینکه انتقال یا آموزش فرهنگی از سنین پایین (۲ تا ۳ سالگی) انجام می‌گیرد و شاکله فرهنگ‌سازی در دست مریبان و تعلیم‌گران از این سنین به صورت قابل قبولی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ لذا دستگاه‌های متولی در رابطه با فرهنگ‌سازی؛ نظیر وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ، در زمینه وجود تبعات مثبت رعایت حجاب در جامعه و همچنین تبعات منفی در رابطه با عدم رعایت حجاب و آگاهی دادن افراد و همچنین بیان تبعات و چالش‌های ناشی از عدم رعایت این موضوع در جامعه برای تربیت افراد در سنین بالاتر می‌تواند تأثیر خیلی مهمی در نسل جوان بگذارد.

۴- وارد عمل شدن تمام دستگاه‌های دولتی دارای وظیفه در رابطه با بحث حجاب و بی‌حجابی که قریب به ۲۶ دستگاه و نهاد دولتی هستند.

۵- آموزش احکام شرعی مرتبط با موضوع حجاب و عفاف در جامعه و آموزش صحیح ارتباط زن و مرد با یکدیگر در اجتماع.

۶- توسعه فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی و ارشادی و آماده‌سازی فضای جامعه به این صورت که افراد در جامعه به شکل طبیعی در فضای جامعه به رعایت حجاب اقدام کنند.

۷- احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه برای دادن تذکرات لازم به افراد بی‌حجاب به طوری که افراد بی‌حجاب این احساس را داشته باشند که در جامعه

مورد تذکر و امر به معروف و نهی از منکر از ناحیه آمرین به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه قرار خواهند گرفت.

۸- بیان فلسفه حجاب و عفاف در زندگی از طریق کارشناسان و افراد خبره در این رابطه و همچنین بیان آثار و پیامدها و نتایج سوء بی‌حجابی برای مردم.

۹- انجام پژوهش‌های گسترده در رابطه با علل و عوامل ترک حجاب به صورت اصولی با اختصاص اعتبارات پژوهشی لازم برای یک دوره حداقل سه‌ساله به منظور ریشه‌یابی صحیح و اصولی.

۱۰- جلوگیری از ورود برخی فرهنگ‌ها و روش‌های غلط غربی وارد شده در کودکان و پیش‌دستانی‌ها در داخل جامعه مبنی بر انجام یکسری اعمال و رفتار خارج از قواعد شرعی و اسلامی؛ نظیر آموزش‌های رقص و...

۱۱- استفاده از مبلغان مذهبی زن برای تشکیل جلسات آگاه‌سازی در زمینه حجاب و تبیین موضوع حجاب و آثار مثبت و منفی آن برای زنان.

۱۲- تقویت ایمان و باورهای دینی و اخلاقی جامعه برای جلوگیری از ورود بی‌اخلاقی‌ها در میان زنان و دختران جامعه.

۱۳- تدوین کتب درسی در رابطه با موضوع حجاب و آثار آن در جامعه در میان دانش‌آموزان دبستانی، مدارس راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاه‌ها متناسب با سن و شرایط و روحیات افراد به منظور ملکه شدن این موضوع در ذهن آن‌ها.

۱۴- حمایت دولتمردان در رابطه با ترویج حجاب در جامعه با اختصاص اعتبارات، انجام همایش‌های ملی و دعوت از کارشناسان برای تبیین موضوع در جامعه.

منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اسدیان پور، احترام. (۱۳۸۹). حجاب صدف. انتشارات طلوع. چاپ اول.
- ۳- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۷۲). قرآن کریم. تهران: سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۷۲/۸/۱۰ (سوره‌ی نور، آیه ۶۰).
- ۴- اکبری، محمدرضا. (۱۳۸۳). تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- ۵- بندر ریگی، محمد. (۱۳۷۹). فرهنگ عربی به فارسی بندر ریگی. تهران: انتشارات علمی.
- ۶- شمخانی، اژدر و همکاران. (۱۳۹۲). آثار سوء بد پوششی بر سلامت جامعه. فصلنامه علمی ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا.
- ۷- صرفی پور، محمد. (۱۳۸۸). ارزش و جایگاه حجاب و عفاف در اسلام. قم: نشر صرفی پور.
- ۸- دشتی، عبدالحمید. (۱۳۹۲). حماسه عفاف و حجاب. قم: انتشارات کریمه اهل بیت (ع)، چاپ هفتم.
- ۹- رجبی، عباس. (۱۳۸۵). حجاب و نقش آن در سلامت روان. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مرکز انتشارات.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۱- عاملی، بحر. (۱۴۲۱ ق.). وسایل الشیعه. بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- ۱۲- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. جلد ۱. چاپ اول. تهران: انتشارات اشجع.
- ۱۳- قرآنی، محسن. (۱۳۷۵). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۴- مشیری، مهشید. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی. تهران: نشر پیکان. قسمت (ع).
- ۱۵- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مسله حجاب. تهران: انتشارات صدرا، چاپ مهر، جلد ۱۹.
- ۱۶- محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۷۵). حجاب بیانگر شخصیت زن. تهران: چاپ و نشر ساعس.
- ۱۷- معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ معین. تهران: انتشارات اشجع.
- ۱۸- محسنی، رضا علی. (۱۳۸۶). نسبت امنیت اجتماعی با جرائم و آسیب‌های اجتماعی. مجموعه مقالات نخستین همایش علمی کاربردی ارتقای امنیت اجتماعی. فرماندهی انتظامی استان گلستان. چاپ اول، صص ۳ - ۲۰.
- ۱۹- میر خندان، حمید. (۱۳۸۷). حجاب در فرهنگ اسلامی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده.
- ۲۰- مهدی زاده، حسین. (۱۳۷۸). پرسمان حجاب. قم: صهبای یقین.
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۰۴، ص ۳۴.
- ۲۲- نصری، غدیر. (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. تهران: نشریه تحقیقات استراتژیک، شماره